

سوگواری پسری که در مرگ پدر

پیش تابوت پدر می‌شد پسر
اشک می‌بارید و می‌گفت ای پدر
این چنین روزی که جانم کرد ریش
هرگز نامد به عمر خویش پیش
صوفی گفت آنک او بودت پدر
هرگز این روز هم نامد به سر
نیست کاری کان پسر را اوفتاد
کار بس مشکل پدر را اوفتاد
ای به دنیا بی سر و پای آمده
خاک بر سر باد پیمای آمده
گر به صدر مملکت خواهی نشست
هم نخواهی رفت جز بادی بدست